

## فرق بین اصول دادرسی مدنی و جزائی

( ۹۹ )

در شماره ( ۴۶ ) گفتیم محاکم جزا باید متوجه باشند در دعوی مطروحه چه قانونی را از لحاظ دلیل باید اجرا کنند اعم از اینکه بواسطه قانون جدیدی قواعد دلیل تغییر کرده و یا اینکه در دعوی مطروحه تبعه خارجه مداخله دارد و بالاخره موقعی کہ ضمن رسیدگی بدعوی مطروحه سندی در دادگاہ ارائه شود کہ سند مزبور در خارجه تنظیم شده است شق اول و دوم درمورد تغییر قواعد دلیل و مداخله تبعه خارجه در دعوی مطروحه را مشروحاً در شماره مزبور بیان کردیم اینکہ بشرح شق سوم مبادرت میشود .

۳ - موقعی کہ در دادگاہ سندی ارائه شود کہ در خارجه تنظیم شده است .

گفتیم اصل صلاحیت سرزمینی بودن قانون جزا قضاة را مجبور میکند در مورد دلیل قانون ملی و محلی را اجرا کند اعم از اینکہ متهم تبعه خارجه باشد و یا جرم در خارجه وقوع یافته متهم در داخله تعقیب شده باشد محاکم جزا نمی توانند قانون دیگری غیر از قانونیکہ در حال حاضر در مملکت معتبر است اجرا کنند .

اما وقتیکہ در مسائل حقوقی و تجاری کہ محاکم جزا باید آنها را حل نمایند برای اینکہ بتوانند در باب مجرمیت متهم تصمیم بگیرند راجع بہ نوع دلیل و شرایط آن بین قوانین داخلی تعارض حاصل میشود در چنین صورت برای حل موضوع باید باصول و قواعد بین المللی متوسل شد .

این قاعدہ بین المللی همانا قاعدہ معروف لاتینی : *locus regit actum* می باشد و مطابق این قاعدہ اسناد از جہت طرز تنظیم « *la forme des actes* » تابع قانون محل تنظیم اند ، رعایت این قاعدہ یک رویہ ثابت بین المللی شده و در تمام ممالک متمدنہ صریحاً یا ضمناً با بعضی تغییرات جزئی قبول شده است . بنا بر این دلیل نیز مثل صلاحیت و اصول محاکمہ از جہت طرز تنظیم طبق قاعدہ مزبور تابع قانون محل تنظیم می باشد .

بنا بر سراتب فوق در امور حقوقی و تجاری چه در مورد دلیل و چه در مورد صلاحیت و اصول محاکمہ قاعدہ بین المللی لاتینی مورد عمل است و ہمیشہ طبق این قاعدہ قانون محل تنظیم سند در محاکمہ خارجی در حدودی معتبر و قابل اجرا است و در امور جزائی نیز ہر وقت بحث در امور حقوقی شود کہ دلیل مطابق نوع آن اسواقامہ شدہ در اینصورت قاعدہ : *tempus regit actum* ( یعنی دلیل باید دلیل زمان وقوع عمل باشد ) باید اجرا شود .

### فرق بین اصول دادرسی مدلی و جزائی

مثلاً مطابق ماده (۲۰۱) قانون مجازات عمومی هرگاه اموال و اشیائی بعنوان اجاره یا امانت و یا بعنوان وکالت بکسی داده شده و بین طرفین مقرر بوده اشیاء و اموال مذکور مسترد شود و یا بمصرف معینی برسد. شخصی که اموال و اشیاء نزد او بوده برخلاف تمهید خود بضرر مالکین اموال و اشیاء را تصاحب یا تلف و یا استعمال نماید بعنوان ارتکاب جرم خیانت در امانت مورد تعقیب جزائی واقع میشود.

درچنین صورت صاحب اموال و اشیاء برای اثبات جرم باید اجاره نامه یا وکالت نامه و یا امانت نامه را مطابق قوانین حقوقی زمان وقوع عمل اجاره و غیره ثابت کند تا جرم خیانت در امانت محقق شود.

### اسناد تنظیمی در خارجه شامل چه اسنادیست؟

اجرای قانون مملکتی که سند در آنجا تنظیم شده یعنی اجرای قاعده لاتینی بین المللی بدون استثنا عموماً شامل اسناد رسمی و اسناد خصوصی است از قبیل وصیت نامه که بخط و امضای موصی و با تاریخ طبق ترتیبات معمول به در محل تنظیم نوشته شده باشد و یا معامله خرید و فروش و اعتراف به دین که بطور خصوصی سند آنها تنظیم شده است.

در مورد وصیت نامه در ممالک آنگلو ساکسن در صورتیکه مربوط با اموال غیر منقول باشد قاعده لاتینی را قبول ندارند و اموال غیر منقول را تابع قانون محل وقوع آنها می دانند ولی در مورد اموال منقول قاعده لاتینی را اجرا می نمایند.

### حدود اعتبار اسناد تنظیمی در خارجه

قواعد اعتبار اسناد تنظیمی در خارجه هم تابع قانون محل تنظیم سند است بدون رعایت قانون محلی که در آنجا اجرای سند تعقیب شده است بنا بر این قانون محل تنظیم سند است که معین میکند که فلان دلیل مثلاً شهادت در مورد یک تعهد و قراردادی ولو موضوع آن عیناً یا قیمتاً بیش از پانصد ریال باشد قابل قبول است یا نه.

در باب اعتبار اسناد تنظیمی در کشورهای خارجه در ایران طبق دستور ماده ۱۲۹ قانون همان اعتباریکه اسناد در محل تنظیم دارند در ایران نیز دارا خواهند بود مشروط بر اینکه آن اسناد از اعتبار قانونی نیفتاده و مخالف قوانین نظم عمومی و اخلاق حسنه نبوده و کشور محل تنظیم اسناد متقابلاً اسناد تنظیم شده در ایران را معتبر دانسته و نمایندگان سیاسی یا قونسولی طرفین تصدیق کرده باشند که سند موافق قوانین محلی تنظیم شده است. ولی همینکه سند حاوی شرایط فوق نبود مخصوصاً اسناد تنظیمی در خارج با قوانین نظم عمومی حسنه تعارض نمود و یا شناسائی متقابل اعتبار اسناد و تنظیمی در ایران مورد تأیید کشورهای خارجه واقع نشد قوانین ایران در اینصورت باید اجرا شود.

در قوانین فرانسه نیز هر وقت قانون محل تنظیم سند مخالف نظم عمومی فرانسه باشد و از این حیث بین قوانین فرانسه و قانون خارجی تعارض حاصل شود تعارض به نفع قانون فرانسه حل و تسویه میشود.

### حدود نفوذ قاعده لاتینی در مورد صلاحیت و اصول محاکمه

گفتیم صلاحیت و اصول محاکمه مثل دلیل از حیث طرز تنظیم سند طبق قاعده لاتینی «I.r.a.» تابع قانون محل تنظیم سند می باشد ولی این قاعده بطور مطلق شامل اصول محاکمه و صلاحیت نیست زیرا قواعد و تشریفات اصول محاکمه و بعبارت دیگر قوانین شکل همیشه تابع قانون محل اقامه دعوا است و منشاء این عمل هم قاعده لاتینی *la lex fori* است یعنی در مورد قواعد و تشریفات اصول *les formes de la procédure* قانون محکمه که دعوا در آنجا طرح است باید رعایت شود.

برای تقویت و تأیید آن استدلال میشود که قوانین اصول محاکمه مناسبات خیلی نزدیکی با حقوق عمومی هر مملکتی دارند و اگر در دعوی مطروحه در محاکم یک مملکت خارجی قانون ملی اصحاب دعوی اجرا شود بحاکمیت دولتی که دعوا در محاکم آن دولت مطرح است از طرف خارجی لطمه وارد میشود.

چنانکه در ماده ۹۷ قانون مدنی ایران که مؤید قاعده مذکور است مصرح است که دعوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمه تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه شده است و مطرح بودن همان دعوا در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.

### تصمیمات مجالس بین المللی در باب قواعد دلیل و اصول محاکمه با استناد قاعده لاتینی

انستیتوی حقوق بین المللی زوریخ در جلسه سال ۱۸۷۷ میلادی برای جلوگیری از تعارض قوانین در باب قواعد و تشریفات اصول محاکمه و قبولی دلایل تصمیمات زیر را اتخاذ نموده است:

- ۱ - قواعد معمولی تحقیقات و رسیدگی و اصول محاکمه طبق قانون محل رسیدگی دعوی خواهد بود. قواعد مزبور عبارت اند از قواعد مربوط باحضر و محاکمه - به مهلت حضور در محکمه - شکل و نوع و کالت - طرز قبول دلایل و انشاء و اعلام حکم.
- ۲ - قبولی دلایل اثبات از قبیل دلیل کتبی و دلیل شاهی و قسم و دفاتر تجارته و غیره و اعتبار آنها طبق قانون محل تنظیم سندیکه می خواهند ثابت کنند خواهد بود. همان قاعده در مورد اهمیت شهود اجرا میشود بجز استثنا ایکه دول متعاقد مقتضی بدانند که در قرارداد های خود ذکر کنند.

تصمیمات بین المللی مذکور قاعده لاتینی *locus regit actum* را در باب صلاحیت محاکم و اصول محاکمه و دلیل تثبیت کرده است و بطوریکه شرح داده شد امروزه در حدودی این رویه بین المللی همه جا مورد عمل است. تصمیمات مزبور را کنفرانسهای بعد نیز تأیید کرده اند و مواد ۹۶۹ و ۹۷۱ و ۱۲۹۵ قانون مدنی ایران راجع به انطباق دلیل از حیث طرز تنظیم با قوانین محلی و دعوی از حیث صلاحیت محاکم و اصول محاکمه با قانون محل اقامه دعوی و قبولی اعتبار اسناد تنظیمی در خارجه مبنی بر اصول و تصمیمات بین المللی مذکور است.

فرق بین اصول دادرسی مدنی و جرائی

## در انجام نیابت قضائی دادگاه مرجوع الیه .

راجع به اصول محاکمه و دلیل چه قواعدی را باید اجرا نماید .

قاضی که دعوائی با و رجوع شده می‌تواند بلحاظ تسهیل در احقاق حق و تقلیل مخارج مستقیماً نیابت قضائی بیک دادگاه خارجی بدهد که درحوزه خود تحقیقاتی درموضوع دعوی مطرحه بنماید و یا اینکه نسبت به سایر امور قضائی مربوط بدعوا رسیدگی‌هاییکه مداخله قاضی خارجی در آن لازم است بنماید .

قاضی مرجوع الیه در باب صلاحیت و قانونی بودن درخواست و موضوعاتی که از قبیل استماع شهادت شهود و یا تکلیف یکی از اصحاب دعوی و غیره باید انجام دهد تصمیم بگیرد ولی از اطمینان از صحت سند و صلاحیت ذاتی خود طبق قوانین مملکت خود باید بدرخواستی که شده است رسیدگی نماید و دول ذی نفع بعداً مداخله را که لازم بدانند بعمل خواهند آورد .

« دادگاهی که در نتیجه ارجاع نیابت قضائی مبادرت بانجام اعمال

قضائی می‌نماید راجع به قواعد و تشریفات دعوا و قواعد دلیل قوانین مملکت خویش را اجرا می‌نماید . »

اصول فوق نیز در انستیتوی بین‌المللی زوریخ سال ۱۸۷۷ مورد تصویب واقع شده است و امروز هم بآن عمل میشود چنانچه ماده ( ۴۷۳ و ۴۷۴ ) قانون آئین دادرسی مدنی ایران نیز در اجرای نیابت قضائی طرز رسیدگی و رسیدگی بدلائل و استماع گواهی و غیره را مطابق قوانین ایران اعلام داشته و در صورتیکه دادگاه خارجه ترتیب خاصی برای رسیدگی بدلائل معین کرده باشد دادگاه ایران بشرط معامله متقابله و بشرط اینکه ترتیب خاصی مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی ایران و یا اخلاق حسنه نباشد می‌تواند بآن عمل نماید بنابراین در صورت فقدان معامله متقابله و تناقض رسیدگی خاص یا قوانین انتظام عمومی و اخلاق حسنه باز رسیدگی طبق قوانین ایران بعمل خواهد آمد .

## اجرای اصول بین‌المللی قوانین ایران

حال باید دید اصول بین‌المللی مذکور در سطور بالا در قوانین ایران رعایت میشود یا نه و اگر رعایت میشود در چه حدودی است .

بطوریکه تذکر داده شد قانون مدنی ایران در امور ۹۶۹ و ۹۷۱ و ۱۲۹۵ و همچنین آئین دادرسی مدنی در مواد ۴۷۳ و ۴۷۴ اصول بین‌المللی مربوط به طرز تنظیم اسناد در خارجه و صلاحیت محاکم و اصول محاکمه و اعتبار اسناد تنظیمی در خارجه و طرز رسیدگی بدلائل در مورد نیابت قضائی را اصولاً قبول نموده است ولی این تجویز و قبولی اصولی اجرای قوانین خارجی در ایران حتی در مورد اصول شخصیه و اهلیت مطلق و بدون قید و شرط نیست زیرا طبق مواد ۹۷۴ و ۹۷۵ مقررات ماده هفت قانون مدنی مربوط باصول شخصیه و مواد ۹۶۲ تا ۹۷۴ و شق دو و سه از ماده ( ۱۲۶۵ ) و ماده ( ۱۲۹۵ ) قانون مدنی

### فرق بین اصول دادرسی مدنی و جزائی

این مواد خلاصه<sup>۲</sup> مربوط است بمسائل اهلیت - روابط بین ابوبین و اولاد ولایت و نصب قیم و مالکیت و ترکه منقول و غیر منقول اتباع خارجه و تمهیدات ناشی از عقود اسناد از حیث طرز تنظیم - دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و اصول محاکمه - اجرای احکام خارجی و اسناد لازم الاجرا و اعتبار اسناد خارجی در ایران تاهدودی در ایران بموقع اجرا گذارده میشوند که مخالف عهود بین المللی و قوانین مخصوص باتباع ایرانی و اخلاق حسنه ایران و بالاخره نظم عمومی ایران نباشند

بنابراین مراتب فوق قوانین و اصول بین المللی و قوانین خارجی با قیود و شروط مازالذکر در ایران قابل اجرا می باشند .

### قوانین مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه

عموم دول بلحاظ جنبه های سیاسی و اقتصادی و قضائی و اجتماعی و تسهیل ارتباطات بین المللی افراد مختلف در جهات مذکور در ممالک یکدیگر طبق معاهدات سیاسی قبول میکنند قوانین خارجی و قواعد و اصول بین المللی را با قیود و شروطی در خاک خود اجرا کنند .

چنانکه در سطور فوق تشریح گردید دولت ایران نیز که یکی از اعضاء جامعه بین المللی است طبق معاهدات سیاسی و قوانین داخلی قبول کرده است که همان روش عموم دول را در باب اجرای اصول بین المللی و قوانین خارجی پیروی و تبعیت کند ولی همیشه سرحد این قبیل اجرائیات در تمام دول متدنه قوانین نظم عمومی و اخلاق حسنه است و هر وقت اجرای قوانین خارجی و اصول بین المللی و همچنین قراردادهای خصوصی که مخالف قوانین باشند با قوانین نظم عمومی و اخلاق حسنه تعارض و تناقض حاصل نمایند اصول بین المللی و قوانین خارجی موقوف الاجرا مانده در چنین مورد قانون دولت محلی اجرا میشود زیرا قوانین نظم عمومی با اصل حاکمیت و استقلال و تمامیت ارضی دول ارتباط مستقیم دارند و حفظ نظم عمومی از مصادیق و مظاهر بین استقلال و ازوظایف خاصه دول مستقل است و هیچ دولتی ولو هر قدر کوچک باشد حاضر نمی شود با اجرای قوانین خارجی لطمه بحاکمیت ارضی و استقلال او وارد شود .

با حفظ این مقدمه لازم است بدانیم منظور از قوانین نظم عمومی و اخلاق حسنه چیست و واضعین قوانین و علماء حقوق چه نظری در این باب داشته و چه تفسیری از این دو جمله می نمایند .

باید دانست که هیچ ماده قانونی نیست که این دو جمله را تشریح و مصرحاً معین کرده باشد که مقصود از نظم عمومی و اخلاق حسنه چیست ولی قوانین نظم عمومی و اخلاق حسنه بطور آراسته از طرف مقنن بر همه تحمیل میشود چنانکه ماده (۹۷۵) قانون مدنی مشعر است بر اینکه :

« محکمه نمی تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا بواسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه

فرق بین اصول دادرسی مدنی و جزائی

یا بعثت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب میشود بموقع اجرا گذارد  
اگرچه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد »

و همچنین ماده شش قانون آئین دادرسی مدنی حکم میکند :

« عقود و قرارداد هائیکه محل نظام عمومی یا بر خلاف اخلاق  
حسنه است در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست » .

### قوانین مربوط به نظم عمومی

نه قوانین موضوعه و نه علماء حقوق در هیچ مملکتی معیار و مقیاسی معین  
نمیکنند که بموجب آن بتوان بطور یقین مقررات قانونی را که جنبه عمومی داشته باشد  
تشخیص داد معذالک می توان گفت که قوانین زیر مربوط است به نظم عمومی :

قوانینی که به نفع مشترك جامعه باشد مثل قوانین اساسی و قوانین اداری و کلیه  
قوانین جزائی و انتظاماتی - قوانین مربوط به برقراری درجات مختلف محاکم و صلاحیت  
آنها (مثلاً متداعین به تراضی و بمیل خود نمی توانند امین صلح را وادار کنند اموری که  
در صلاحیت محاکم حقوقی است رسیدگی کند) - قوانین مربوط به ثبت اسناد - قوانین  
مربوط با اهلیت و احوال شخصیه - قوانین مربوط بمرور زمان

مثلاً نمی توان قبلاً از شمول مرور زمان صرف نظر کرد ولی اگر مرور زمان  
حاصل شد چون جنبه شخصی و خصوصی پیدا میکند ذی نفع می تواند از آن انصراف  
حاصل کند - قوانینی که آزادی تجارت را تضمین میکنند - قوانینی که معین میکنند هر کس  
مسئول خطای خود است بنابراین نمی توان قبلاً معافیت از خطاهای خود را تضمین نمود  
همچنین می توان گفت ماده (۹۵۹) قانون مدنی که بموجب آن هیچکس نمیتواند  
بطور کلی حق تمتع و یا حق اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را قانون از خود سلب  
نماید از قوانین نظم عمومی است و اجرای آن برای تمام محاکم آن اجباری است

و همچنین ماده (۹۶۰) که بموجب آن هیچکس نمی تواند از خود سلب حریت  
کند و یا در حدودیکه مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود  
صرف نظر نماید و همچنین ماده (۱۱۸۷) قانون مدنی که اسناد تنظیمی در ثبت اسناد و دفاتر  
رسمی و سامورین صلاحیت دار را که در حدود مقررات قانونی تنظیم شده اند رسمی اعلام میکند .  
بدیهی است که مواد فوق بطور مثال و نمونه تذکر داده شد در قوانین ایران  
موارد زیادی موجود است که بهیچوجه در متن قانون به نظم عمومی اشاره نشده ولی  
اجرای مدلول آنها از لحاظ اشتراك منافع جامعه ایرانی از وظایف حتی محاکم است .

### ۴ - قوانین مربوط باخلاق حسنه

قوانین مربوط باخلاق حسنه را نیز ممکن نیست تعریف کرد و قوانین موضوعه  
و علماء حقوق هیچ مملکتی در این باب تعریفی نکرده اند و فقط آنچه می توان گفت و همه  
در آنخصوص متفق القول اند اینست که هر چه را افکار عمومی مخالف اخلاق و معنویات  
بداند آن اخلاق حسنه است .